

روزي که آمد و روزی که رفت...

روزی که آمد یک خرابه بود روزی که رفت یک کشور مدرن و آباد،
وقتی آمد عشق به میهن را آورد وقتی رفت یک مشت خاک با خود بیشتر نبرد.
و در بندر مامور گمرک را مجبور کرد جامه دانه‌ای او را بگردد تا خاطر جمع
شوند چیزی از مال مردم ایران در آن نیست.

عکس های قدیمی و نایاب از رضا شاه

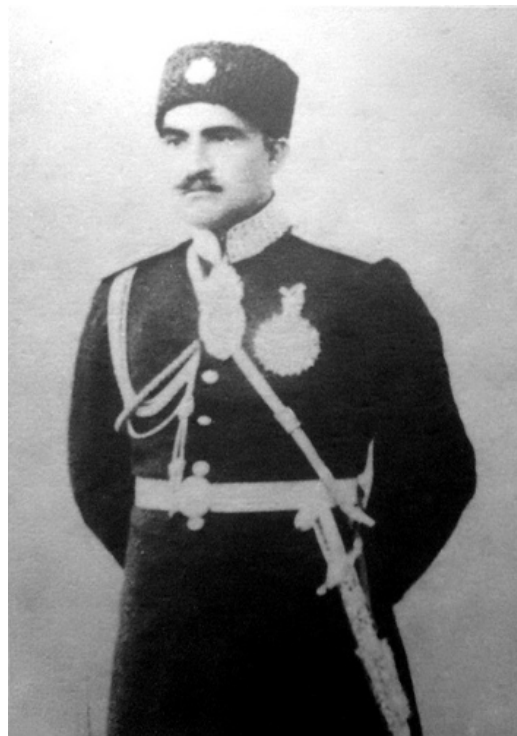


دریک بازدید از خرمشهر، رضا شاه شیر نفت را زیر پایش باز می گذارد و نفت با هور و صدا
به دریا می ریزد که یک انگلیسی از کارمندان شرکت نفت نگران می گوید: آن که به دریا می ریزد نفت
است!
رضا شاه با عصبانیت پاسخ می دهد، هنگامیکه شما بدون پرداخت بهای آن همین نفت را با هزار و یک

نیرنگ بطور مجانی از مردم ایران می دزدید و به کشتی سوار می کنید نفت نیست ولی وقتی من فراورده کشورم، چیزی که بخودمان تعلق دارد را به دریا می ریزم نفت است و برای شما انگلیسی ها مهم می شود؟؟!!

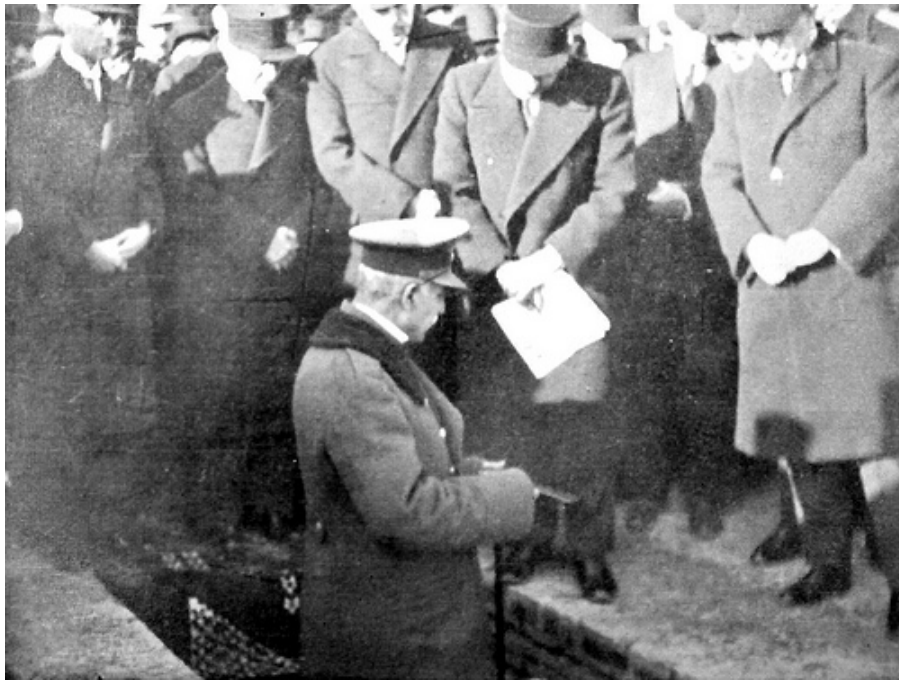


قرار نبود او شاه بشود و قرار هم نبود به ترکیب احمد شاه دست بخورد فقط قرار بود ارتش را در مرکز سروسامان بدهد. ولی او زیرک تر و با درایت تر از آن بود او نیز همانند نادر شاه افشار از یک موقعیت مناسب برای کنار زدن ایران ویران کنان و پشت به میهن کرده ها استفاده کرد.



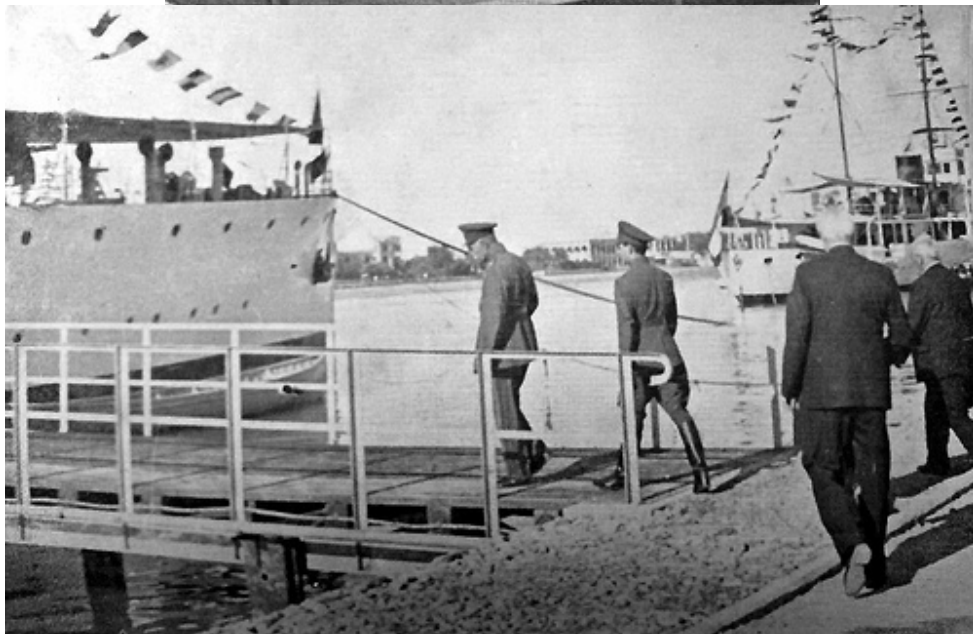


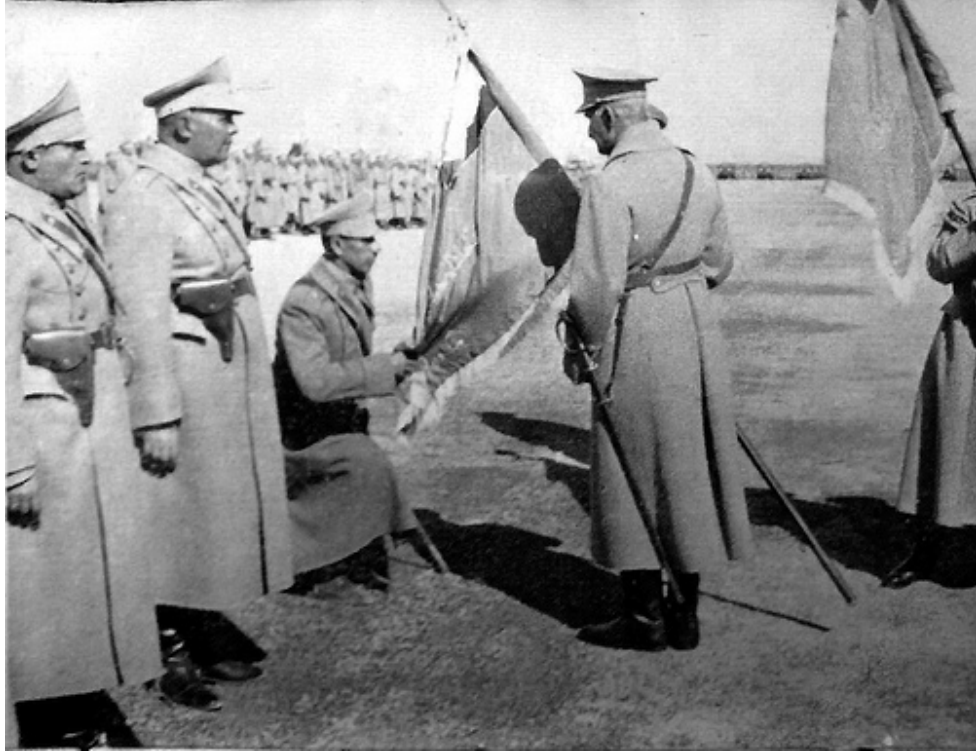
دقت و علاقه را ببینید... !!





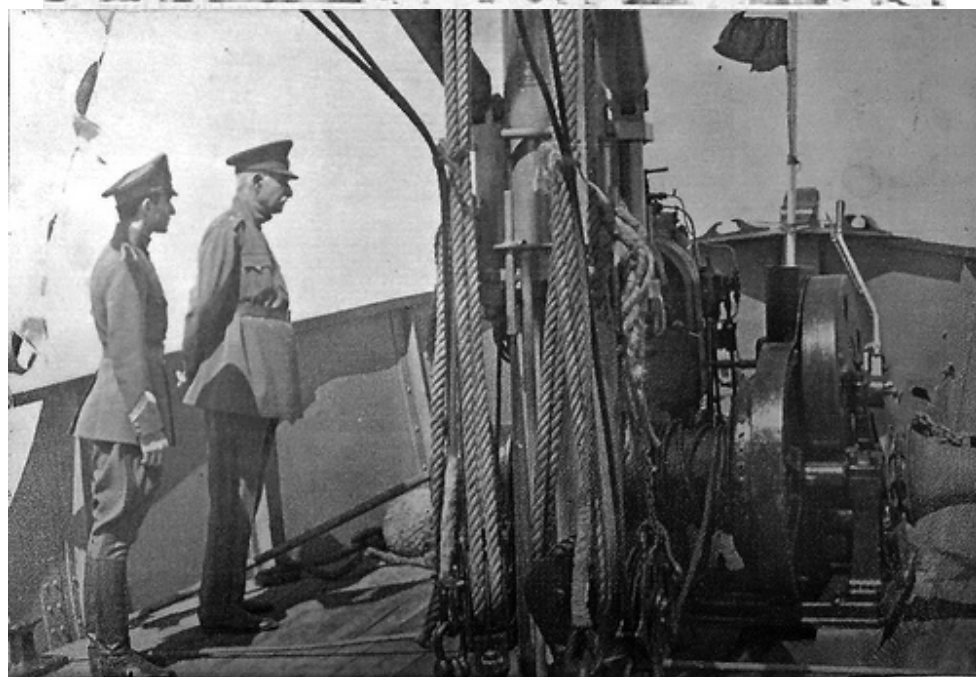






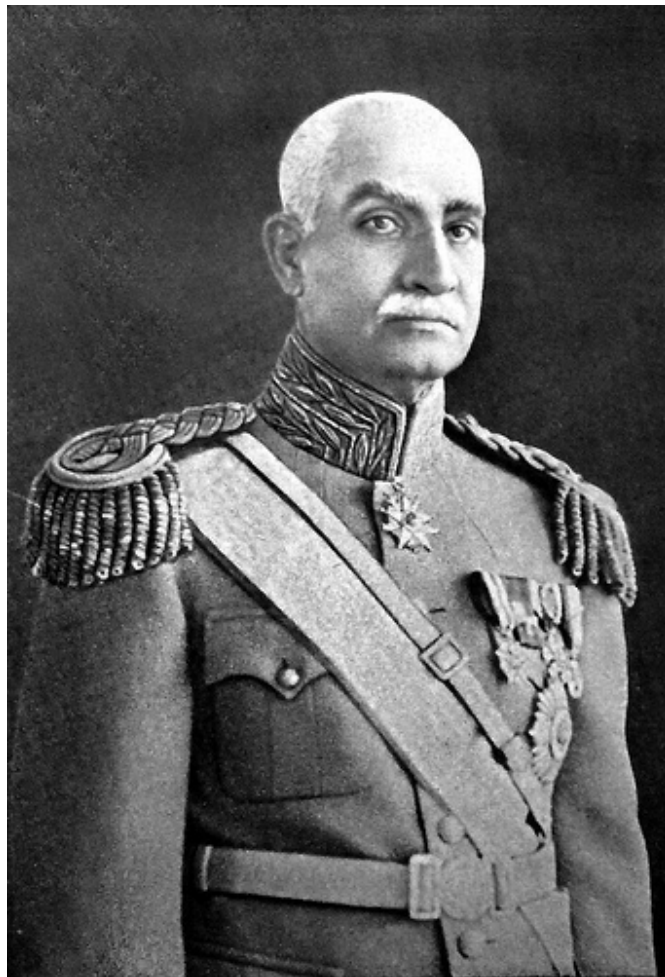


رضا شاه بزرگ هنگام بستن آخرین پیچ راه آهن سرتاسری که
با دست خالی و با خون دل ساخت.





رضاشاه کبیر سرداران خاندان پهلوی و بنیادکننده ایران نوین می شود .

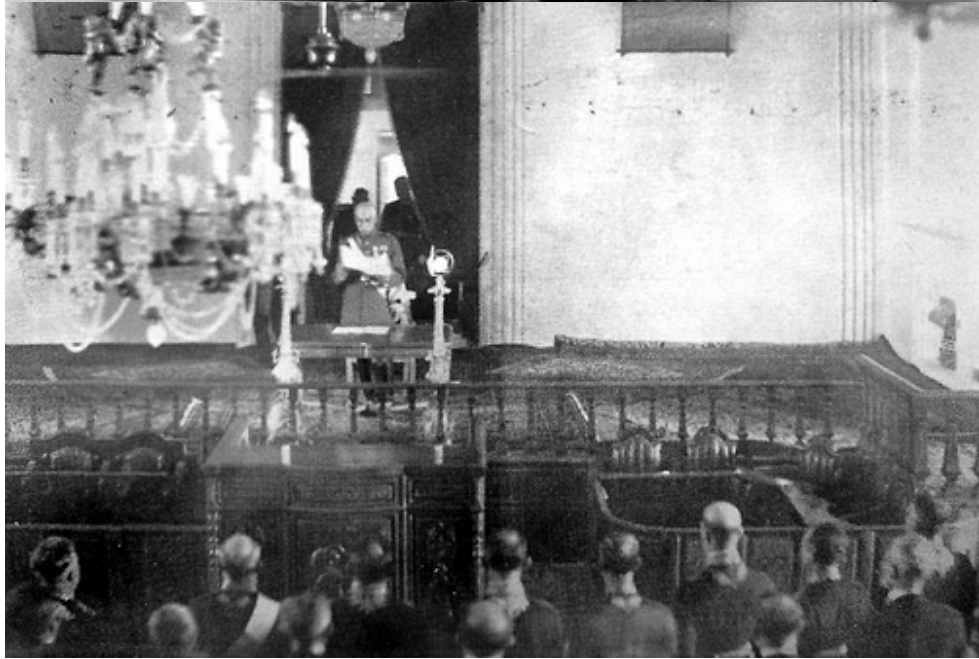


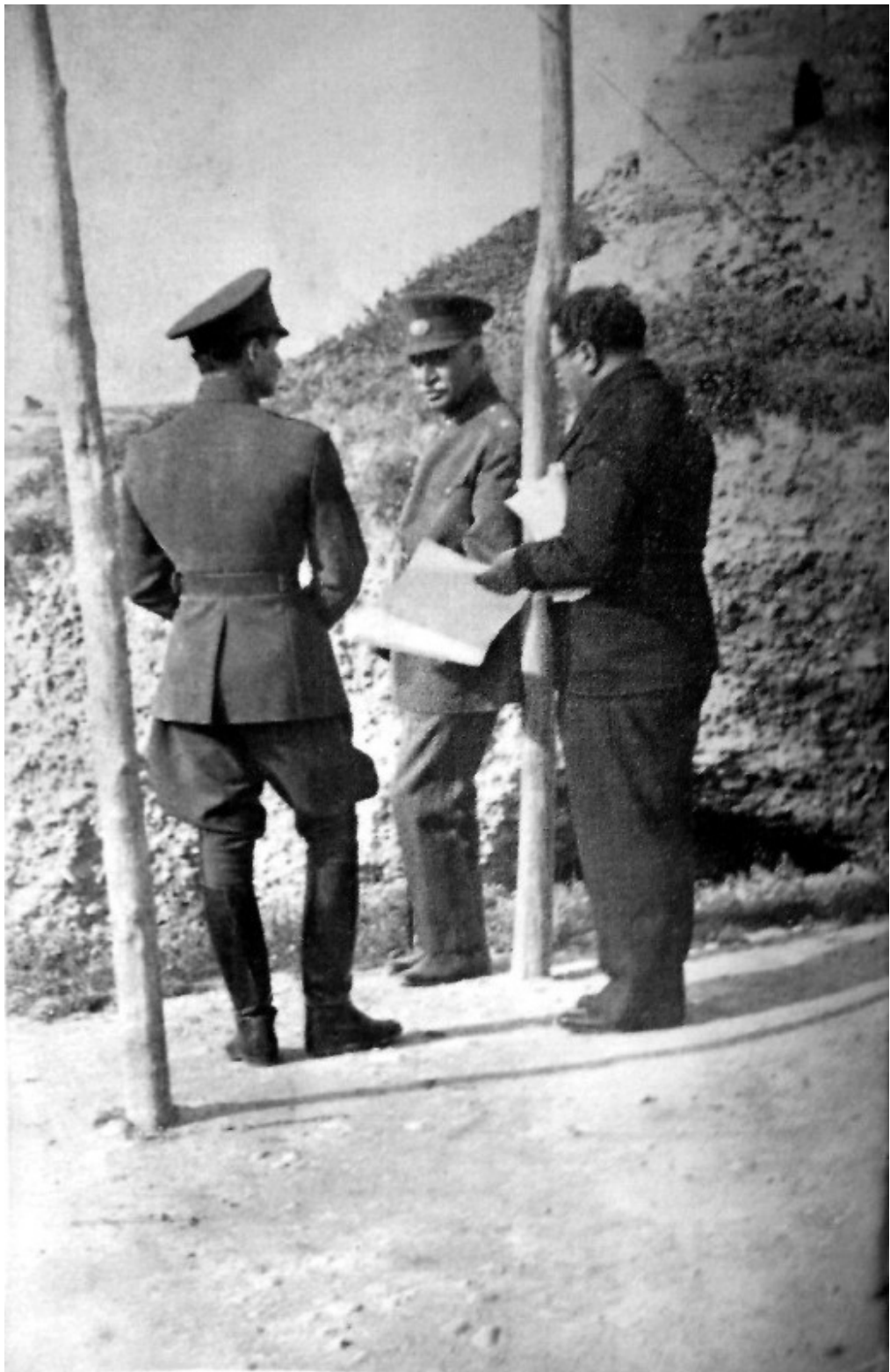
رضا شاه بزرگ در بزرگداشت ۱۷ دیماه در هنگامه آزادی زن.
باتوان در ایران دوران نشیب و فرازی را گذرانده اند در حالیکه در ۲-۳ هزار سال پیش

مادر سالاري بود و بانوان مشوق مردان و سازنده مردانند، همانند ماندانا ويا فرمانده ناوگانند هم انند آرتميس پس از حمله تازيان به ايران زن به زيوني مي افتد و در دوران قاجار به اندازه «ضعيفه» افول مي کند. تنها در دوران پهلوي پس از اسلام است که زنان آزادي کامل پيدا ميکنند و به ويژه در دوران محمد رضا شاه پهلوي به مقام استادي دانشگاه، وکیل، وزير مي رسند و مقام زن دوباره پاس داشته مي شود.

پس از هجوم عرب زاده هائي بنام «جمهور اسلامي» زن دوباره به «ضعيفه» مبدل مي شود.









Riza Shah visiting Abadan Refinery, 1930. (By courtesy of BP Archives)

در این بازدید است که رضا اه شیر نفت را زیر پایش باز می گذارد و نفت با هور و صدا
به دریا می ریزد که یک انگلیسی نگران می گوید: آن که به دریا می ریزد نفت است. رضا شاه
با عصبانیت پاسخ می دهد، هنگامیکه شما بدون پرداخت بهای آن همین نفت را با هزار و یک
تیرنگ می خواهید بطور مجانی از مردم ۷ ایران بدزدید نفت نیست ولی وقتی من محصول کشورم
را به دریا می ریزم نفت است و برای شما مهم می شود؟؟!!







